

سه ویژگی شاخص جانشینان پیامبر خدا ﷺ در صلوات ضراب اصفهانی و وجه تأکید امام زمان ﷺ بر این ویژگی‌ها با نگاهی به افکار و آثار آیت‌الله ناصری رحمته‌الله

ابراهیم شفیعی سروستانی*

چکیده

در روایات، ادعیه و زیارات نقل شده از پیشوایان معصوم دین علیهم‌السلام ویژگی‌هایی برای جانشینان پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برشمرده شده که هریک در جای خود ترسیم‌کننده وجهی از شخصیت این بزرگواران است. در صلوات ضراب اصفهانی که از امام زمان علیه‌السلام نقل شده است، از میان همه ویژگی‌های حضرات معصوم علیهم‌السلام بر سه صفت تأکید شده است: پیشوایی (امامت) مؤمنان، میراث‌بری (وراثت) پیامبران و حجت بودن برای پروردگار جهانیان. برای روشن شدن وجه تأکید امام زمان علیه‌السلام بر این ویژگی‌ها، در این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از آیات قرآن، روایات معصومان علیهم‌السلام و سخنان حضرت آیت‌الله ناصری رحمته‌الله ابتدا به بررسی معنا و مفهوم و مبانی و مستندات این سه ویژگی پرداختیم و با توجه به آن‌ها جایگاه پیشوایان معصوم دین در جهان هستی و رابطه ایشان با خدا، پیامبران و اهل ایمان را روشن ساختیم و در نهایت هم به این نتیجه رسیدیم که ظاهراً امام زمان علیه‌السلام به دو دلیل بر این ویژگی‌ها تأکید کرده‌اند: ۱. جامعیت آن‌ها؛ ۲. نقش آن‌ها در زمینه‌سازی برای اطاعت و پیروی از امامان معصوم علیهم‌السلام.

کلیدواژه‌ها: ویژگی‌ها، جایگاه، امامان معصوم علیهم‌السلام، معرفت امام زمان علیه‌السلام، اندیشه‌ها، آیت‌الله ناصری.

* استادیار و مدیر گروه فقه و حقوق دانشگاه قرآن و حدیث قم: Ibrahim.shafiee@gmail.com



مقدمه

در روایات، ادعیه و زیارات رسیده، ویژگی‌هایی متعدد برای جانشینان معصوم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان شده که هریک از آن‌ها بیانگر جایگاه، شأن و منزلت این حضرات است. از این رو، شناخت این صفات و تبیین دقیق معنا و مفهوم آن‌ها در فرهنگ و ادبیات اسلامی و ولایی، در شناخت امامان و رسیدن به معرفتی که همه ما به تحصیل آن مأمور هستیم، نقشی مهم دارد.

«صلوات ضراب اصفهانی»^۱ از جمله متونی است که در آن به ویژگی‌های امامان معصوم علیهم السلام اشاره شده است. این صلوات از امام زمان علیه السلام نقل شده و در آن عبارت «إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَاثِرِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» آمده که بیانگر سه ویژگی شاخص جانشینان معصوم پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است؛ یعنی امامت مؤمنان، وراثت پیامبران و حجت بودن برای پروردگار جهانیان. این صفات به طور یکسان برای همه این بزرگواران، از امام علی علیه السلام تا امام مهدی علیه السلام ذکر شده است؛ البته با این تفاوت که برای امام علی علیه السلام به جای عبارت «إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ» از عبارت «امیرالمؤمنین» که صفت اختصاصی آن حضرت است، استفاده شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۲۰ تا ۲۲) اما در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که وجه تأکید امام عصر علیه السلام بر این سه ویژگی چه بوده است؟ برای یافتن پاسخ این پرسش، لازم است ابتدا با بهره‌گیری از قرآن، روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و سخنان عالمان گران قدر شیعه، معنا و مفهوم و مبانی و مستندات ویژگی‌های یادشده را تبیین کنیم؛ اما پیش از آن لازم است نکاتی را به عنوان مقدمه بیان نماییم.

الف. معرفت امام در آموزه‌های اسلامی

«معرفت امام» جایگاه و اهمیتی ویژه در آموزه‌های اسلامی دارد و در سخنان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام تأکیدی فراوان بر آن شده است. برای روشن‌تر شدن این موضوع به برخی از روایاتی که در این زمینه وارد شده است، اشاره می‌کنیم:

در روایتی که به صورت متواتر و از طریق شیعه و اهل سنت از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نقل شده، نشناختن امام زمان و معرفت نداشتن به او با مردن در عصر جاهلیت (عصر کفر و شرک)

۱. به فردی به نام «یعقوب بن یوسف ضراب اصفهانی (غسانی)» در سال ۲۸۱ هجری قمری در شهر مکه نامه‌ای از امام زمان علیه السلام می‌رسد که این صلوات را از آن نامه حضرت صلی الله علیه و آله نقل کرده است. (برای مطالعه بیشتر، رک: محمدی ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۵: ۸۵ تا ۸۹)



برابر است: «هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج: ۱؛ ۳۷۶ و ۳۷۷؛ همو، ج: ۲؛ ۲۱؛ نعمانی، بی تا؛ ۱۳۰؛ قندوزی، ۱۴۱۶، ج: ۳؛ ۳۷۲)

امام باقر علیه السلام نیز در این زمینه می فرماید:

هرکس درحالی که امامی نداشته باشد، بمیرد، مردنش، مردن جاهلیت است و هرآنکه در حال شناختن امامش بمیرد، پیش افتادن یا تأخیر این امر [دولت آل محمد علیهم السلام]، او را زیان نرساند و هرکس بمیرد درحالی که امامش را شناخته، همچون کسی است که در خیمه قائم علیه السلام با آن حضرت باشد. (کلینی، ۱۳۶۵، ج: ۱؛ ۳۷۱)

حال این پرسش مطرح می شود که چرا در آموزه های اسلامی این همه بر لزوم معرفت امام تأکید شده است؟ در روایتی که از امام باقر علیه السلام نقل شده، این پرسش به خوبی پاسخ داده شده است. آن حضرت در این زمینه می فرماید:

والأترین مرتبه امر [دین] و کلیدش در همه چیز و مایه خرسندی خدای رحمان، پیروی از امام بعد از شناخت اوست. همانا خدای عزوجل می فرماید: «هرکس از پیامبر فرمان ببرد، در حقیقت خدا را فرمان برده و هرکس روی گردان شود، ما تو را بر ایشان نگهبان نفرستاده ایم.» همانا اگر مردی شب ها را به عبادت به پاخیزد و روزها را روزه دارد و تمام اموالش را صدقه دهد و در تمام دوران عمرش به حج رود و امر ولایت ولی خدا را نشناسد تا از او پیروی کند و تمام اعمالش با راهنمایی او باشد، برای او از ثواب خدای جل و عز حقی نیست و او از اهل ایمان نباشد. (کلینی، ۱۳۶۵، ج: ۲؛ ۱۹)

این روایت، ضرورت و فلسفه تأکیدهای فراوان اسلام بر شناخت امام را به خوبی آشکار می کند و روشن می سازد که معرفت امام از آن رو اهمیت دارد که مقدمه پیروی و اطاعت از اوست. به همین دلیل می بینیم در بسیاری از روایت های «من مات» به جای تعبیر «و لم یعرف امام زمانه»، عبارت هایی چون «و لیس علیه امام» (همو، ج: ۱؛ ۳۷۶) یا «و لیس له امام» (همو) یا «و لیس له امام یأتم به» (عیاشی، ۱۴۱۷، ج: ۲؛ ۱۸۵) «و لیس له امام یسمع له و یطیع» (مفید، ۱۴۱۴؛ ۲۶۸ و ۲۶۹) «و لیس علیه طاعة» (ابن حجر هیتمی، ۱۳۵۳، ج: ۵؛ ۲۲۳) «و لیس فی عنقه بیعة» (متقی هندی، ۱۴۱۳، ج: ۱؛ ۱۵۳) آمده است که همه آن ها بر مقدمه بودن معرفت برای پیروی و اطاعت از امام، به عنوان شرط نجات و رستگاری، دلالت می کند.

روایت زیر از امام حسین علیه السلام نقل شده و توجه به آن این موضوع را روشن تر می سازد. آن





حضرت در این روایت با اشاره به فلسفه آفرینش انسان می‌فرماید:

هان ای مردم، همانا خداوند - بزرگ باد یاد او- بندگان را نیافرید مگر برای اینکه او را بشناسند. پس هرگاه او را بشناسند، او را بپرستند و هرگاه او را بپرستند، با پرستش او، از بندگی هرآنچه جز خداست، بی‌نیاز شوند.

مردی پرسید: ای فرزند رسول خدا، پدر و مادرم فدایت، معرفت خدا چیست؟ حضرت فرمود: این است که اهل هر زمانی، امامی را که باید از او فرمان برند، بشناسند. (صدوق، ۱۳۸۵، ج: ۱، ۹)

بنابراین، می‌توان گفت: فلسفه آفرینش انسان، رسیدن به مقام معرفت خداست. این معرفت حاصل نمی‌شود، مگر به معرفت امام و حجت عصر^{علیه السلام}؛ زیرا امام، آینه تمام‌نمای حق و واسطه شناخت خداست، چنان‌که امام صادق^{علیه السلام} فرمود:

ما دانایان (برپادارندگان) به امر خدا و دعوت‌کنندگان به راه او هستیم. به واسطه ما خدا شناخته و پرستیده می‌شود. ما راهنمایان به سوی خدا هستیم و اگر ما نبودیم، خدا پرستیده نمی‌شد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج: ۲۶، ۲۶۰)

پرسش دیگری که در اینجا مطرح می‌شود این است که چه نوع شناختی به امام زمان می‌تواند مقدمه پیروی و اطاعت از او باشد؟ نویسنده کتاب ارزشمند مکیال‌المکارم، در پاسخ به این پرسش می‌نویسد:

بدون تردید، مقصود از شناختی که امامان ما - درودها و سلام‌های خداوند بر ایشان باد- تحصیل آن را در ارتباط با امام زمانمان امر فرموده‌اند، این است که ما آن حضرت را چنان‌که هست بشناسیم... چنین شناختی جز به دو امر به دست نمی‌آید: شناختن شخص امام به نام و نسب و دوم، شناخت ویژگی‌های او. به دست آوردن این دو شناخت از اهم واجبات است. (موسوی اصفهانی، ۱۴۱۲، ج: ۲، ۱۲۶)

بر این اساس، می‌توان گفت برای به دست آوردن معرفت به امام زمان^{علیه السلام}، پس از شناخت نام و نسب آن حضرت، باید به دنبال شناخت ویژگی‌های ایشان بود؛ ویژگی‌هایی که حضرتش را از دیگران متمایز و پیروی و اطاعت بی‌چون و چرایش را توجیه می‌کند. از همین رو، به نظر می‌رسد، آن دسته از ویژگی‌های امام که بیانگر جایگاه، شأن و منزلت او در عالم هستی و در ارتباط با خداوند متعال، پیامبران بزرگ الهی و اهل ایمان است، از اهمیتی بیشتر برخوردار است.



حضرت آیت الله ناصری رحمته الله علیه در یکی از سخنان خود، پس از بیان لزوم شناخت امام عجل الله فرجه با نسب و مقام ایشان، با بیان روایتی از امام عصر علیه السلام، معنای واقعی معرفت امام زمان علیه السلام را بیان می‌کند:

ابونصر، خدمت‌گزار امام حسن عسکری علیه السلام می‌گوید: پیش از غیبت امام مهدی علیه السلام خدمت آن حضرت رسیدم. امام مهدی علیه السلام از من پرسید: «آیا مرا می‌شناسی؟» پاسخ دادم: «آری، شما سرور من، فرزند سرور من هستید.» امام علیه السلام فرمود: «مقصود من چنین شناختی نبود.» گفتم: «خودتان بفرمایید.» امام علیه السلام فرمود: «من آخرین جانشین پیامبر خدا هستم. خداوند به واسطه [برکت] من، بلا را از خاندان و شیعیانم دور می‌کند.» در این روایت و امثال آن، حضرت مسیر معرفت امام را مشخص کرده و گویی می‌فرماید: باید جایگاه امام در مجموعه نظام هستی شناخته شود و رابطه امام با پیامبر و نبوت درک شود. (ناصری، ۱۳۸۸: ۱۴ و ۱۵)

ب. آشنایی با صلوات ضَرَاب اصفهانی

از جمله صلوات‌های ویژه که بسیاری از بزرگان بر خواندن آن در عصر جمعه مداومت داشته و دارند،^۱ صلواتی است که «ابوالحسن یعقوب بن یوسف ضَرَاب اصفهانی (عَسَّانی)» در تشریفی در سال ۲۸۱ قمری در مکه از آن حضرت فراگرفته است. این صلوات را علما و محدثان گران قدر شیعه؛ در بیان اعمال عصر جمعه در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند.^۲

در اهمیت این صلوات، همین پس که سید بن طاووس پس از بیان ده‌ها دعا، نماز و ذکر در تعقیبات نماز عصر روز جمعه می‌نویسد:

این صلوات از مولای ما حضرت مهدی که درود خدا بر او باد، روایت شده است و چنانچه تعقیبات روز جمعه را به جهت عذری نتوانستی بخوانی، هرگز این صلوات را ترک نکن، به جهت امری که خداوند (جَلَّ جَلالُه) ما را به آن آگاه کرده است. (سید بن طاووس، ۱۳۳۰: ۴۹۴)

۱. ر.ک: «صلوات ضراب اصفهانی»، پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی بهجت: Bahjat.ir/fa/content/10658

۲. از جمله: شیخ طوسی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۴۰۶ تا ۴۰۹؛ همو، ۱۴۱۷: ۲۷۳ تا ۲۸۰؛ سید بن طاووس، ۱۳۳۰: ۴۹۴ تا ۵۰۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۱۷ تا ۲۲، ح ۱۴؛ محدث قمی، ۱۳۸۶: ۸۸ تا ۹۲. برای مطالعه بیشتر درباره این صلوات و چگونگی رسیدن آن نامه به دست ابوالحسن ضراب اصفهانی، ر.ک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳، ج ۵: ۸۵ تا ۸۹.





در این صلوات، پس از درودهای جداگانه به هریک از معصومان علیهم السلام به دعا برای سلامتی، نصرت و تعجیل فرج امام عصر علیه السلام پرداخته می‌شود.

ج. آشنایی با آیت‌الله محمدعلی ناصری دولت‌آبادی

آیت‌الله ناصری (۱۴۰۱ - ۱۳۰۹)، عالم ربانی، سالک الی‌الله، معلم اخلاق و از ارادتمندان خاص امام زمان علیه السلام بود که بیشتر عمر خود را در تزکیهٔ نفوس، نشر معارف اخلاقی اسلام، ترویج فرهنگ مهدویت و انتظار و ایجاد انس و الفت میان مردم و امام عصر علیه السلام صرف نمود. بیان رسا، دل‌نشین و اثرگذار ایشان و سخنانی که از دل برمی‌آمد و لاجرم بر دل می‌نشست، هر شنونده‌ای را مجذوب خود می‌ساخت؛ به‌ویژه زمانی که از آخرین حجت حق و منجی آخرالزمان سخن می‌گفت.

مجموعه سخنرانی‌های ایشان در سال‌های متمادی و در موضوعات گوناگون اخلاقی، معنوی و مهدوی، در قالب چندین جلد کتاب منتشر شده است که عناوین برخی از آن‌ها به این شرح است:

۱. آب حیات: گزیده‌ای از سخنان حضرت آیت‌الله ناصری دربارهٔ امام عصر علیه السلام، تحقیق و تدوین مجید هادی‌زاده.

۲. جام اسرار: گزیده‌ای از سخنان حضرت آیت‌الله ناصری در شرح فرازهای زیارت جامعهٔ کبیره، ۳ ج، تحقیق و تدوین: سید حبیب حسینی زنانی.

۳. در امتداد نور: گزیده‌ای از سخنان حضرت آیت‌الله ناصری دربارهٔ آیات تأویل‌شده به امام علیه السلام و آخرالزمان، تحقیق و تدوین: محمود مطهری‌نیا.

۴. رسم بندگی: گزیده‌ای از سخنان حضرت آیت‌الله ناصری در شرح فرازهایی از خطبهٔ متقین، تحقیق و تدوین: سید حبیب حسینی زنانی.

۵. سخن دوست: گزیده‌ای از سخنان حضرت آیت‌الله ناصری دربارهٔ امام عصر علیه السلام، تحقیق و تدوین: سید حبیب حسینی زنانی.

به پاس عمری مجاهدت خستگی‌ناپذیر این معلم اخلاق و عاشق دل‌سوختهٔ امام عصر علیه السلام در عرصهٔ نشر و ترویج معارف اخلاقی و مهدوی اسلام، در این مقاله برای تبیین سه ویژگی شاخص جانشینان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و نقش آن در معرفت به امام زمان علیه السلام، در کنار روایات





معصومان عليهم السلام از سخنان ایشان نیز بهره گرفته ایم که آن هم از سخنان اهل بیت عليهم السلام گرفته شده است.

پس از این مقدمه، به بررسی معنا و مفهوم این سه ویژگی و مبانی و مستندات روایی آن‌ها می‌پردازیم.

۱. معنا و مفهوم و مبانی و مستندات ویژگی‌های سه‌گانه

الف. پیشوایی (امامت) مؤمنان

نخستین ویژگی که در صلوات ضرب اصفهانی برای جانشینان معصوم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان شده، پیشوایی (امامت) مؤمنان است. در بسیاری از روایات، ادعیه و زیارات از حضرات معصوم عليهم السلام با عنوان پیشوای مؤمنان (أئمة المؤمنین) یا پیشوای مسلمانان (أئمة المسلمین) یاد شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۶: ۲۵۰؛ همو، ج ۳۶: ۲۵۳؛ همو: ۲۵۴) از جمله در روایتی که از امام علی عليه السلام نقل شده، چنین آمده است:

سوگند به خدایی که ما اهل بیت را با نبوت، گرامی داشت و محمد را که درود خدا بر او و خاندانش باد، از ما قرار داد و پس از او نیز ما را گرامی داشت به اینکه ما را پیشوای مؤمنان قرار داد. هیچ‌کس جز ما از سوی او چیزی را نمی‌رساند و امامت و خلافت جز شایسته ما نیست و برای هیچ‌کس از مردم در کنار ما اهل بیت بهره و حقی از امامت و خلافت نیست. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۱: ۴۲۰)

از امام سجاد عليه السلام نیز در این زمینه چنین نقل شده است:

ما، امامان مسلمانان و حجت‌های خداوند بر جهانیان و سروران مؤمنان و جلودار سپیدرویان دست‌وپا سفید و سالار مؤمنان هستیم. (شیخ صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۰۷)

برای آشنایی با این ویژگی که بیانگر رابطه جانشینان پیامبر اکرم با مردم و جامعه اسلامی است، لازم است چند موضوع را بررسی کنیم:

یک. معنای لغوی و اصطلاحی امام

امام، واژه‌ای عربی و به معنای پیشوا، سرپرست و مقتداست. (ابن منظور، ۱۴۱۶، ج ۱: ۲۱۳ و ۲۱۴) همچنین درباره این واژه گفته‌اند:

امام کسی است که به او اقتدا می‌شود چه شیء مورد اقتدا انسان باشد که به گفتار





و کردارش اقتدا شود یا کتابی باشد یا شیء دیگری، چه این اقتدا حق و صواب باشد و چه باطل و ناصواب. (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲: ۲۰)

برخی دیگر از لغت‌نگاران نیز همین معنا را از امام ارائه داده‌اند. (ر.ک: جوهری، ۱۳۶۸، ج ۵: ۱۸۶۵؛ فیومی، بی‌تا: ۲۳) برخی متکلمان که به معنای لغوی این واژه پرداخته‌اند، نوشته‌اند:

معنای لغوی واژه امامت آن است که از دیگری پیروی شود؛ یعنی رییس باشد و به او اقتدا کنند. از آن جهت که در مفهوم امامت، تبعیت و اقتدا نهفته است به کسی که نماز جماعت برگزار می‌کند امام گویند؛ زیرا مردم در قیام و رکوع و سجده و تشهد به وی اقتدا کرده و از او تبعیت می‌کنند. (حمصی رازی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۲۳۵)

بنابراین، امامت در لغت به معنای رهبری و ریاست امت است که طبعاً نوعی پیروی گروهی را به همراه دارد.

از آنچه گفتیم می‌توان دریافت که واژه امامت از یک سو «پیشوایی و راهبری» و از سوی دیگر «پیروی» را می‌رساند، ولی اینکه این پیشوایی و پیروی در چه حوزه و قلمروی باشد یا در چه بعد از ابعاد زندگی انسان مطرح شود، از مفهوم لغوی واژه امامت خارج است؛ هم‌چنان‌که عمومیت یا اختصاص در حوزه‌ای که تبعیت و پیشوایی انجام می‌شود از این واژه استفاده نمی‌شود. هم‌چنین این واژه به خودی خود تعیین‌کننده بار ارزشی مثبت یا منفی نیست. در واقع قرائین و شواهد خارجی تعیین‌کننده هریک از این جنبه‌های یاد شده است. (ضیائی‌فر، ۱۳۸۲: ۵۵۲)

واژه امام در قرآن دوازده بار به صورت مفرد یا جمع به کار رفته است.^۱ در این کاربردها امامت به همان معنای لغوی است؛ یعنی به معنای مطلق رهبری و پیشوایی به کار رفته و چیزی بر معنای آن اضافه نشده است و هرگاه نوعی ویژگی در نظر بوده با قید و قرینه بیان شده است؛ مثلاً خداوند فرموده است: ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا﴾ (انبیاء: ۷۳)

و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند.

از ﴿يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا﴾ می‌فهمیم که امامت مطرح شده در این آیه، امامت حق است. در آیه



۱. گاهی امام به معنای پیشوا و رهبر، بدون اشاره به خصوصیات آن می‌باشد؛ مثل آیه ﴿يَوْمَ نَدْعُ كُلَّ أُنثَىٰ بِإِمَامِهِنَّ﴾. (اسرا: ۷۱) و گاهی به چیزی اطلاق می‌شود که در پیش روی انسان قرار دارد؛ مثل آیه ﴿وَأَتَيْنَاهُمَا لِبَأْمَامٍ مُّبِينٍ﴾ (حجر: ۷۹) و گاهی به معنای رهبری به سوی حق یا رهبری به سوی باطل است.



دیگری می خوانیم: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى التَّارِ». (قصص: ۴۱)

و آنان را پیشوایانی که به سوی آتش می خوانند، گردانیدیم.

در یکی دیگر از آیات قرآن نیز چنین آمده است: «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ» (توبه: ۱۲)

پس با پیشوایان کفر بجنگید.

از دو قرینه «یدعون الی النار» و «أمة الکفر» می فهمیم که آنچه در این دو آیه طرح شده، امامت باطل است.

هم چنین از بررسی مواردی متعدد از کاربرد واژه امامت در گفتار معصومان علیهم السلام، درمی یابیم که این واژه در اصل به معنای مطلق پیشوایی و رهبری است و هریک از خصوصیات پیش گفته با قرینه و قید دیگری فهمانده شده است. (ر.ک: ضیائی فر، ۱۳۸۲: ۵۵۳ تا ۵۵۵)

گروهی از متکلمان امامیه، امامت را به «ریاست عام دینی و دنیایی» تعریف کرده اند. شیخ مفید در تعریف و توصیف امام می نویسد: «امام، کسی است که در امور دینی و دنیایی مردم به جانشینی از پیامبر صلی الله علیه و آله ریاستی فراگیر دارد.» (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱۰: ۳۹)

هم چنین خواجه طوسی پس از جمع بندی مسائل مهم بخش امامت پنج پرسش را مطرح می نماید:

۱. [معنای] امام چیست؟

۲. آیا امام موجود است؟

۳. برای چه امام موجود است؟

۴. امام چگونه است؟

۵. امام کیست؟

آنگاه در پاسخ پرسش نخست می نویسد: «امام کسی است که ریاست فراگیر در امور دینی و دنیایی را اصالتاً نه به نیابت از دیگری در این دنیا به عهده دارد.» (نصیرالدین طوسی، ۱۴۰۵: ۴۲۵)

گرچه این عبارت به توصیف امام می پردازد، ولی تا حد بسیاری مفهوم امامت را نیز بیان می کند، از این رو خواجه طوسی آن را کامل تر از سایر تعریف ها و منطبق بر معنای اصطلاحی و کلامی «امامت» می داند.





در این تعریف‌ها به روشنی آمده است که امامت در معنای اصطلاحی و کلامی خویش دو حوزه دین و دنیا را دربرمی‌گیرد؛ یعنی امامت همان‌گونه که ریاست و مرجعیت در امور دینی است مرجعیت در امور دنیایی نیز می‌باشد. (ر.ک: ضیائی فر، ۱۳۸۲: ۵۵۳ تا ۵۵۵)

البته مفهوم امام و امامت در ادبیات قرآن و روایات بسیار فراتر و والاتر از مفهوم ارائه شده در منابع کلامی شیعه است که در ادامه به آن اشاره می‌کنیم.

دو. جایگاه امام و امامت در آموزه‌های اسلامی

براساس آموزه‌های اسلامی، امامت عهدی است الهی که تنها به بندگان شایسته و برگزیده خداوند، تعلق می‌گیرد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ». (بقره: ۱۲۴)

و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود، و وی آن همه را به انجام رسانید، [خدا به او] فرمود: «من تو را پیشوای مردم قرار دادم.» [ابراهیم] پرسید: «از دودمانم [چطور]؟» فرمود: «پیمان من به بیدادگران نمی‌رسد.»

بسیاری از مفسران براساس این آیه گفته‌اند، مقام امامت از مقام نبوت و رسالت والاتر است؛ زیرا خداوند زمانی ابراهیم علیه السلام را به امامت برگزید که او در دوران کهن سالی بود و از همه آزمایش‌ها؛ از جمله آزمایش قربانی کردن فرزند سربلند بیرون آمده بود. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج: ۱، ۲۶۷ و ۲۶۸)

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه، پس از اشاره به وجوه گوناگونی که مفسران برای معنای امامت و تفاوت آن با نبوت و رسالت ذکر کرده‌اند، در بیان معنای امام و امامت می‌نویسد:

امام هدایت‌کننده‌ای است که با امری ملکوتی که در اختیار دارد هدایت می‌کند، پس امامت از نظر باطن یک نحوه ولایتی است که امام در اعمال مردم دارد، و هدایتش چون هدایت انبیا و رسولان و مؤمنان صرف راهنمایی از طریق نصیحت و موعظه حسنه و بالأخره صرف آدرس دادن نیست؛ بلکه هدایت امام دست خلق گرفتن و به راه حق رساندن است. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج: ۱، ۲۷۰ تا ۲۷۲)

حضرت آیت‌الله ناصری نیز در یکی از آثار خود، پس از اشاره به برتری امامت بر نبوت، در استدلال به این موضوع می‌فرماید:

اولاً، امامت به معنای ولایت کامل است و نبوت یکی از آثار ولایت است؛ بنابراین آنان

که به ولایت کامل دست یافته اند، از مرتبه نبوت فراتر رفته اند؛ هرچند مصداق خارجی نبوت قرار نگیرند. ثانیاً، نبوت به معنی خبردادن از عالم الهی و ابلاغ احکام شرعی به مردم است. قرآن کریم نیز در وصف وظیفه پیامبران فرموده است: ﴿مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾ اما ولی کسی است که بعد از آنکه پیامبر ارائه طریق فرمود، مؤمنان را به مطلوب می‌رساند؛ بنابراین، کار پیامبر ارائه طریق است و کار امام ایصال الی المطلوب؛ یعنی دست‌گیری کردن تا به مقصود رسانیدن. (ناصری دولت‌آبادی، ۱۴۰۱ الف: ۱۴۷)

در روایات اسلامی نیز، واژه‌های امام و امامت از جایگاهی بسیار برجسته برخوردار بوده و از آن به عنوان مقامی الهی یاد شده است که دست‌انتخاب بشر به آن نمی‌رسد. از جمله این روایات، می‌توان به روایت زیر اشاره کرد که از امام رضا علیه السلام نقل شده است:

همانا امامت، قدرش والاتر، شأنش بزرگ‌تر، منزلتش عالی‌تر، جایگاهش بلندتر و زرفایش بیشتر از آن است که مردم با خرده‌های خود به آن برسند یا با نظراتشان آن را دریابند یا با انتخاب خود امامی منصوب کنند. همانا امامت مقامی است که خدای عزوجل پس از رتبه نبوت و خلت در مرتبه سوم به ابراهیم خلیل علیه السلام اختصاص داده است... همانا امامت مقام پیامبران و میراث اوصیا است. همانا امامت خلافت خدا و خلافت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. (کلینی، ۱۳۶۵، ج: ۱، ۱۹۸ تا ۲۰۰)

ب. میراث‌بری (وراثت) پیامبران

دومین ویژگی جانشینان معصوم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که در صلوات ضراب اصفهانی بر آن تأکید شده میراث‌بری پیامبران است. در بیان معنای «ارث» گفته‌اند: ارث به معنای انتقال دارایی و حقوق (میراث) شخص درگذشته (مورث)، به شخص زنده (وارث) است که با رعایت شرایط و موازین خاصی انجام می‌پذیرد و بدین‌سان، میراث‌مردگان، برای دیگران باقی می‌ماند. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج: ۶، ۱۰۵؛ مصطفوی، ۱۳۸۵، ج: ۱۳ و ۱۴: ۷۷ تا ۸۳؛ طریحی، ۱۴۰۳، ج: ۳، ۱۹۲۴؛ محمدی ری شهری، ۱۳۹۰: ۱۷۵) برای آشنایی با این ویژگی، لازم است دو نکته را بررسی کنیم:

یک. میراث‌بری پیامبران در آموزه‌های اسلامی

در بسیاری از روایات و زیارات با عبارات و بیان‌های گوناگون از امامان معصوم علیهم السلام به عنوان «وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ» یا «وَارَثُ الْمُرْسَلِينَ» به معنای وارثان پیامبران الهی یاد شده است؛ در برخی از آن‌ها



با بیانی کلی، همه امامان، وارثان پیامبران شمرده شده‌اند؛^۱ از جمله در روایتی که از امام رضا علیه السلام نقل شده آمده است: «... ما وارثان پیامبران اولوالعزم هستیم.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۲۴)

زیارت «جامعه کبیره» از امام هادی علیه السلام نقل شده است. در این زیارت خطاب به امامان معصوم علیهم السلام عرض می‌کنیم: «سلام بر امامان هدایت و چراغ‌های تاریکی‌ها... و وارثان پیامبران.» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲: ۶۱۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۹: ۱۲۸)

در برخی از زیارات از جمله زیارت امیرمؤمنان علی علیه السلام^۲ نیز با نام بردن از پیامبرانی مانند آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد علیهم السلام، امامانی خاص، وارث این پیامبران معرفی شده‌اند. در برخی از روایات نیز با برشمردن ویژگی‌های برجسته هریک از پیامبران الهی، از امامی خاص به عنوان وارث این صفات و ویژگی‌ها یاد شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۷: ۴۱۹)

دو. مصادیق میراث پیامبران

در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که امامان معصوم علیهم السلام چه چیزی را از پیامبران الهی به ارث برده‌اند؟ علامه محمدباقر مجلسی در توضیح عبارت «ورثة الانبیاء» می‌نویسد:

اینکه از امامان به عنوان وارثان پیامبران یاد شده به این معناست که آنان علوم پیامبران و آثار ایشان؛ مانند تابوت، عصا، انگشتر سلیمان، عمامه هارون و غیر از این‌ها را به ارث برده‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۹: ۱۳۶)

حدیث پژوه بزرگ معاصر، محمدی ری شهری نیز در این باره می‌نویسد:

میراث پیامبران، بنا بر آنچه در متون روایی آمده است، تمام آثار نبوت است که به‌گونه‌ای نشانه پیامبری آنان و همراه حادثه‌ای سترگ در سیر زندگانی انبیای پیشین بوده است؛ مانند: تابوت، الواح و عصای موسی علیه السلام، صُحف ابراهیم علیه السلام، انگشتری سلیمان علیه السلام، پیراهن یوسف علیه السلام و دانش پیامبران پیشین. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۰: ۱۷۵)

حضرت آیت الله ناصری نیز در یکی از آثار خود به این موضوع اشاره می‌کند که حضرت حجت علیه السلام میراث دار تمام انبیای الهی هستند و تمامی موارث آنان نزد آن حضرت موجود

۱. ر.ک: صفار قمی، ۱۴۰۴: ۱۱۸ تا ۱۲۰؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۲۳ تا ۲۲۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۷: ۳۳۲؛ همو، ج ۹۸: ۲۱۰؛ همو، ج ۹۹: ۶۷ و ۱۰۱.

۲. ر.ک: ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۲۵۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۷: ۳۳۱، ج ۳۰ و نیز در زیارت امام حسین علیه السلام؛ ر.ک: ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۰۵ تا ۲۰۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۸: ۱۶۳ تا ۱۶۵.

است. آنگاه در بیان موارث انبیا می‌فرماید:

این آثار شامل کتب آسمانی، وسایل خاصی که معجزات آنان به وسیله آن متحقق می‌شود و نیز علم و دیگر خصوصیات انبیا می‌شود. (ناصری دولت‌آبادی، ۱۴۰۱ الف:

۱۴۸؛ رک: همو، ۱۴۰۱ ب، ج: ۲: ۵۹۵ تا ۵۹۹؛ همو، ۱۴۰۱: ۳۹ تا ۴۷)

بنابراین، میراث پیامبران الهی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. یادگارهای مادی و ملموس ایشان؛

۲. صفات، ویژگی‌ها و داشته‌های معنوی آنان.

در این مقاله، فرصت پرداختن به دسته نخست نیست^۱ و تنها به دو مصداق شاخص دسته دوم؛ یعنی علم و ولایت تکوینی اشاره می‌کنیم:

- علوم پیامبران

در روایاتی فراوان بر این نکته تصریح شده است که امامان علیهم‌السلام علوم پیامبران علیهم‌السلام را به ارث برده‌اند^۲ که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

در روایتی که از امام باقر علیه‌السلام نقل شده، چنین آمده است:

دانشی که با آدم علیه‌السلام فرود آمد، دیگر بالانزفت، و دانش، به ارث برده می‌شود. علی علیه‌السلام، دانشمند این امت بود و هرگز در میان ما عالمی رخت بر نمی‌بندد، مگر آنکه از خاندان او، کسی جانشین او می‌شود که علمی همچون او دارد یا آنچه را خدا بخواهد، می‌داند. (کلینی، ۱۳۶۵، ج: ۱: ۲۲۲)

در روایتی دیگر که ضریس کُناسی از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده، چنین می‌خوانیم:

نزد امام صادق علیه‌السلام بودم و ابوبصیر نیز در خدمت ایشان بود. امام صادق علیه‌السلام فرمود: «داوود، علم پیامبران را به ارث برد و سلیمان، علم داوود را و محمد، علم سلیمان را و ما علم محمد را. نزد ماست صحف ابراهیم و ده فرمان موسی.» ابوبصیر گفت: این، همان علم است. فرمود: «ای ابو محمد، این، همان علم نیست. علم، آن است که

شب و روز و روزبه روز و ساعت به ساعت رخ می‌دهد.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج: ۲۲۵)

۱. رک: کلینی، ۱۳۶۵، ج: ۱: ۲۳۱ و ۲۳۲؛ صفار قمی، ۱۴۰۴: ۱۳۸، ۱۵۹ و ۱۹۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج: ۲۶: ۲۰۱ تا ۲۲۲.

۲. رک: کلینی، ۱۳۶۵، ج: ۱: ۲۲۱ تا ۲۲۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج: ۲۶: ۲۰۱ تا ۲۲۲؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۱، ج: ۱۰:



- ولایت تکوینی

از جمله باورهای مهم امامیه دربارهٔ معصومان علیهم السلام داشتن «ولایت تکوینی» یا «ولایت تصرف» است (مطهری، ۱۳۷۵، ج ۳: ۲۸۴ و ۲۸۵؛ محمدی ری شهری، ۱۳۹۱، ج ۶: ۳۰۶) که در بسیاری از روایات نیز بر آن تأکید شده و از آن به عنوان یکی از موازین انبیا یاد شده است. (صفرار قمی، ۱۴۰۴: ۲۷۰ تا ۲۷۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷: ۲۹ تا ۳۱) البته ناگفته نماند که براساس برخی از روایات، ولایت تکوینی، اثری مستقل نیست و از فروع علم است؛ اما مراد از ولایت تکوینی، چنانکه برخی از اهل تحقیق گفته‌اند، قدرتی است که خداوند به انسان کامل، واگذار کرده است تا او با اذن پروردگار، در نظام آفرینش، تصرف کند. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۰: ۶۱۳؛ همتی، ۱۳۶۳: ۸۱ تا ۹۱)

با این مقدمه، به بررسی برخی از روایات موجود در این زمینه می‌پردازیم. در روایتی که ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام نقل کرده در این باره چنین آمده است:

خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم و گفتم: شما وارثان پیامبر خدا که درود خدا بر او و خاندانش باد، هستید؟ فرمود: «آری.» گفتم: آیا پیامبر خدا همهٔ آنچه را که پیامبران پیشین می‌دانستند، به ارث برده است؟ فرمود: «آری.» پرسیدم: آیا شما قادرید که مرده را زنده کنید و کور مادرزاد و پیس را شفا دهید؟ فرمود: «آری، به خواست خدا.» و سپس به من فرمود: «نزدیک من بیا، ای ابومحمد!» من نزدیک رفتم. ایشان دستی به چهره و چشمم کشید و من آفتاب و آسمان و زمین و خانه‌ها و هرچه را در شهر بود، دیدم. سپس فرمود: «آیا دوست داری چنین باشی و در روز قیامت، مانند بقیهٔ مردم با تو رفتار شود، یا آنکه [دوست داری] به حال نخست بازگردی و یک‌سره به بهشت روی؟» گفتم: به حال سابقم بازگردم. ایشان دوباره دست به چشمم کشید و من به حال سابقم بازگشتم. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۴۷۰)

در روایت دیگری، ابوحمزه ثمالی از امام سجاد علیه السلام در زمینهٔ ولایت تکوینی امامان چنین

روایت می‌کند:

... گفتم: آیا امامان قادرند که مرده را زنده کنند و کور مادرزاد و پیس را شفا دهند و بر روی آب راه روند؟ فرمود: «خداوند چیزی به پیامبران عطا نکرده است، مگر اینکه همان را به محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - عطا کرده است و به او چیزهایی عطا کرده است که پیامبران آن‌ها را در اختیار ندارند.» گفتم: آیا همهٔ آنچه در اختیار پیامبر خداست به امیرمؤمنان - که درود خدا بر او باد - هم عطا شده است؟ فرمود:



«آری، سپس به حسن و حسین که درود خدا بر آن‌ها باد و سپس به همه امامان یکی پس از دیگری تا روز قیامت عطا شده است؛ البته با زیاده‌ای که در هر سال و در هر ماه ایجاد می‌شود.» سپس فرمود: «سوگند به خدا [با زیاده‌ای که] در هر ساعت [ایجاد می‌شود]» (صفار قمی، ۱۴۰۴، ج: ۱، ۲۶۹)

ج. حجت بودن برای پروردگار جهانیان

از دیگر ویژگی‌های جانشینان معصوم پیامبر اکرم ﷺ که در صلوات ضراب اصفهانی بیان شده، حجت بودن برای پروردگار جهانیان است. این ویژگی نیز مانند دو ویژگی دیگری که پیش از این درباره آن‌ها سخن گفتیم، در روایات، ادعیه و زیارات متعددی وارد شده و در برخی از مجموعه‌های روایی شیعه نیز بابی جداگانه به روایات مرتبط با این ویژگی امامان معصوم علیهم‌السلام اختصاص یافته است. (صفار قمی، ۱۴۰۴، ج: ۱، ۶۱ تا ۶۵)

در روایتی که «اسود بن سعید» از امام محمد باقر علیه‌السلام نقل کرده چنین آمده است:
 نزد امام باقر که درود خدا بر او باد بودم که آن حضرت ابتدا و بدون اینکه از ایشان پرسشی شود، فرمود: «ما حجت خداییم؛ ما در خداییم؛ ما زبان خداییم.» (صفار قمی، ۱۴۰۴، ج: ۱، ۶۱)

ابو خالد قماط نیز در این باره از امام صادق علیه‌السلام چنین روایت می‌کند:
 به آن حضرت عرض کردم: ای پسر فرستاده خدا که درود خدا بر او و خاندانش باد. جایگاه شما نزد پروردگارتان چیست؟ فرمود: «حجت او بر آفریدگانش، در او که از آن وارد می‌شوند و امینان او بر سزش و مترجمان وحی او...» (صفار قمی، ۱۴۰۴، ج: ۱، ۶۲)

برای روشن شدن معنا و مفهوم حجت و تبیین جایگاه و نقش حجت‌های الهی در جهان هستی لازم است نکاتی را یادآور شویم:

یک. معنای لغوی و اصطلاحی حجت

«حجت» در لغت به معنی دلیل، برهان و راهنما است. به عبارت دیگر، «آنچه به آن ادعا یا مطلبی را ثابت کنند»، حجت گویند. (فیومی، ۱۴۱۸: ۱۲۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۶، ج: ۳، ۵۳)

راغب اصفهانی نیز حجت را این‌گونه معنا کرده است: راهنمایی آشکار به راه مستقیم و آنچه به وسیله آن می‌توان به درستی یکی از دو مخالف پی برد. (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲: ۱۰۷)





در روایات آمده است که خداوند تعالی دو حجت بر بندگانش دارد: یکی حجت آشکار که رسولان، پیامبران و امامان هستند و دیگری حجت پنهان که عقل و خرد انسان است. از امام کاظم علیه السلام در این زمینه چنین نقل شده است: «برای خدا بر مردم دو حجت است: حجتی آشکار و حجتی پنهان. حجت آشکار، رسولان، پیامبران و امامان، و حجت پنهان خردها هستند.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج: ۱، ۳۷)

حضرت آیت الله ناصری رحمته الله علیه در بیان معنا و مفهوم حجت می فرماید: «کلمات حجت و برهان و دلیل یک معنا دارند. حجت الله یعنی دلیل و برهان حق.» (ناصری دولت آبادی، ۱۴۰۱، ج: ۲، ۴۲۵)

ایشان در یکی دیگر از سخنان خود مراد از حجت بودن اهل بیت علیهم السلام را این گونه بیان می کند: حجت به معنای دلیل و برهان است؛ یعنی دلیل و برهان برای اثبات مدعای حق. خداوند عالم است و جاهل نیست، دلیلش چیست؟ یکی از دلایل آن علم اهل بیت علیهم السلام است که دلیل بر عالم بودن خالقشان می باشد. خداوند عادل است و ظالم نیست، دلیلش چیست؟ اهل بیت علیهم السلام و عدالتشان دلیل بر عادل بودن خالقشان است؛ چون هرچه مخلوق دارد از خالق است. پس هرکدام از صفات حق را که ما بخواهیم اثبات کنیم دلیل و برهان اثباتش اهل بیت علیهم السلام هستند؛ مثلاً رحمانیت و رحیمیت حق را به وسیله مهربانی اهل بیت علیهم السلام می فهمیم... اهل بیت عصمت و طهارت مظهر و مظهر اسما و صفات حق هستند. ما که نمی توانیم خدا را ببینیم تا بفهمیم عادل است، مهربان است، کریم است و سخاوت دارد. پس این مطالب را از کجا بفهمیم؟ سراغ اهل بیت می آییم و از این ها به عظمت حق پی می بریم؛ لذا فرمود: «بنا عرف الله؛ به وسیله ما می توان خدا را شناخت.» (ناصری دولت آبادی، ۱۴۰۱، ج: ۱، ۲۶۵ و ۲۶۶)

دو. جایگاه حجت در آموزه های اسلامی

در آموزه های اسلامی، موضوع «حجت» از جایگاه و اهمیتی بسزا برخوردار است و در آیات قرآن، روایات و ادعیه به جامانده از معصومان علیهم السلام، از زوایای گوناگون به این موضوع پرداخته شده است. به دلیل جایگاه و اهمیت این موضوع، برخی مجموعه های روایی شیعه از جمله الکافی، بخشی را با عنوان «کتاب الحججة» به بیان روایات مربوط به این موضوع اختصاص داده اند. (کلینی، ۱۳۶۵، ج: ۱، ۱۶۸ تا ۴۳۸)

براساس اعتقاد اسلامی، بشر همواره به هدایت گر نیازمند است. به همین دلیل، از ابتدای



آفرینش انسان تاکنون هیچ‌گاه جهان از پیامبران و امامان خالی نبوده است. هدایت‌گرانی که حجت‌های خدا بر بندگانش هستند. براساس این اعتقاد، اگر بر روی کره زمین تنها دو نفر باقی مانده باشند، یکی از آن‌ها حجت الهی خواهد بود. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۷۹)

دانشوران شیعه این موضوع را با عنوان «اضطرار به حجت» یعنی ناگزیری از حجت مطرح کرده‌اند.^۱

امام محمد باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

به خدا سوگند، خداوند از روزی که آدم علیه السلام قبض [روح] شد، هیچ سرزمینی را از پیشوایی که [مردم] به وسیله او به سوی خدا هدایت می‌شوند، خالی نگذاشته است. این پیشوا، حجت خدا بر بندگانش است و هرگز زمین بدون امامی که حجت خدا بر بندگانش باشد، باقی نمی‌ماند. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۷۸ و ۱۷۹)

امام صادق علیه السلام نیز در همین زمینه می‌فرماید:

تا زمانی که زمین پابرجاست، در آن برای خدای تعالی حجتی است که حلال و حرام را [به مردم] می‌شناساند و [آن‌ها را] به راه خدا فرامی‌خواند. حجت خدا از روی زمین برداشته نمی‌شود مگر تا چهل روز پیش از برپایی رستاخیز. پس آنگاه که حجت خدا برداشته شد، در توبه بسته می‌شود و ایمان کسی که پیش از برداشته شدن حجت ایمان نیآورده است، برای او سودی نخواهد داشت. (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۲۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳: ۴۱)

نیاز همیشگی به حجت‌های الهی ریشه در این واقعیت دارد که آدمی برای دست یافتن به حقیقت هستی، پیمودن مسیر هدایت، تشخیص حق از باطل و آشنایی با حلال و حرام الهی همواره به راهنمایی انسان‌هایی شایسته نیازمند است که از سوی خدای متعال به این منظور برگزیده شده و رسالت هدایت و راهبری آدمیان را برعهده گرفته‌اند.

ممکن است بپرسند که با وجود کتاب‌های آسمانی چه نیازی به این انسان‌های برگزیده وجود دارد؟ در پاسخ باید گفت: اول اینکه کتاب‌های آسمانی، خود نیازمند مفسر و مبین هستند و دوم اینکه این کتاب‌ها بدون وجود حجت‌های الهی دچار تحریف و تبدیل یا تأویل

۱. رک: کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۶۸ تا ۱۷۴؛ شیخ صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۰۱ تا ۲۱۰؛ نعمانی، بی‌تا: ۱۳۹ و ۱۴۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳: ۱ تا ۵۶.





و تفسیرهای بی اساس می شوند تا آنجا که حق بر مردم مشتبه شده و انسان ها بیش از پیش دچار سردرگمی می گردند. از این رو، همواره باید در کنار کتاب های آسمانی انسان هایی برگزیده به عنوان مفسر و مبین کلام خدا وجود داشته باشند.

۲. وجه تأکید امام زمان علیه السلام بر ویژگی های سه گانه

پس از روشن شدن معنا و مفهوم و مبانی و مستندات ویژگی های شاخص سه گانه جانشینان معصوم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که در صلوات ضراب اصفهانی به آن ها اشاره شده است، به بررسی و تبیین وجه تأکید امام زمان علیه السلام بر این ویژگی ها می پردازیم.

به نظر می رسد، آن حضرت به دو دلیل بر این ویژگی ها تأکید کرده اند؛ نخست، به دلیل جامعیت آن ها و دوم، به دلیل نقش آن ها در زمینه سازی برای اطاعت و پیروی از امامان.

الف. جامعیت ویژگی های سه گانه

ویژگی های سه گانه ای که در صلوات ضراب اصفهانی برای امامان معصوم علیهم السلام بیان شده است، بیانگر جایگاه آنان در جهان هستی و رابطه ایشان با خدا، پیامبران خدا و اهل ایمان و جامع همه ویژگی های مورد نیاز برای هدایت و رهبری جامعه اسلامی است. به بیان دیگر، این ویژگی های سه گانه همه صفات بیان شده در روایات برای حضرات معصوم علیهم السلام را در برمی گیرد.

بر اساس ویژگی اول (پیشوایی مؤمنان)، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تنها کسانی هستند که از جانب خدا برای امامت جامعه اسلامی، ریاست امور دینی و دنیایی مردم و رساندن آن ها به مقصد و مقصود مطلوب برگزیده شده اند و هیچ کس جز آن ها صلاحیت این مقام را ندارد.

بر اساس ویژگی دوم (میراث بری پیامبران)، خاندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همه ویژگی های پیامبران از جمله علم و عصمت را دارا می باشند و از این رو، مردم به راحتی می توانند در گرفتن حکم حلال و حرام های الهی و دستوره های خداوند به آن ها اعتماد کنند.

بر اساس ویژگی سوم (حجت بودن برای پروردگار جهانیان)، این خاندان، استمرار سلسله حجت های الهی هستند و همه نقش ها و مسئولیت هایی را که حجت های الهی در طول تاریخ برعهده داشته اند برعهده دارند؛ از جمله:

۱. هدایت و دست گیری مردم؛



۲. ملاک بودن برای تشخیص حق و باطل؛

۳. بیان حلال و حرام الهی.

ب. نقش ویژگی‌های سه‌گانه در زمینه‌سازی برای اطاعت و پیروی از امامان

چنانکه گفتیم، معرفت امام از آن‌رو در آموزه‌های اسلامی اهمیت دارد که مقدمه پیروی و اطاعت از امام - به عنوان شرط نجات و رستگاری - است. به همین دلیل آشنایی با آن دسته از ویژگی‌های امامان که ما را به اطاعت و پیروی از آن‌ها نزدیک و از مخالفت با آن‌ها باز می‌دارد، از اهمیتی ویژه برخوردار است. مدعای ما در این مقاله این است که سه ویژگی مطرح شده در صلوات ضراب اصفهانی، به دلایل زیر این شاخصه را دارا هستند.

یک. پیشوایی (امامت) مؤمنان

این ویژگی بیانگر رابطه جانشینان پیامبر خدا با مردم و جامعه است. براساس روایات، این جانشینان به دلیل برتری‌های ذاتی خود عهده‌دار ریاست امور دنیایی و دینی مردم و هدایت آن‌ها در رسیدن به کمال مطلوب هستند.

امامان معصوم علیهم‌السلام در علم، تقوا، شجاعت، سیاست، سخاوت، کرامت و دیگر صفات پسندیده اخلاقی، سرآمد اهل روزگار هستند و به همین دلیل، مردم باید آنان را پیشوای خود سازند و در همه امور به آن‌ها اقتدا کنند.

امام علی علیه‌السلام در نخستین خطبه پس از بیعت مردم با ایشان بر ضرورت پیروی از اهل بیت علیهم‌السلام تأکید کرده‌اند. آن حضرت، در این خطبه با اشاره به فضایل و برتری‌های بی‌مانند اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام می‌فرماید:

بدانید که نیکان خاندان من و پاکان نژاد من، در خردسالی بردبارترین مردم و در بزرگی، داناترین مردم‌اند. بدانید ما اهل بیته هستیم که علم ما برگرفته از علم خداست و به حکم خدا حکم می‌کنیم و سخن راست را گرفته‌ایم. پس اگر از ما پیروی کنید، به واسطه بینش‌های ما، راه را می‌یابید و اگر چنین نکنید، خداوند با دست‌های ما شما را نابود خواهد کرد. پرچم حق با ماست. هرکه در پی آن حرکت کند، به ساحل

نجات می‌رسد و هرکه از آن عقب بماند، غرق می‌شود. (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۴۰؛ محمدی

ری شهری، ۱۳۸۵: ۷۸۶ و ۷۸۷)





کسانی که جانشینان معصوم پیامبر اکرم را به عنوان پیشوایان جامعه اسلامی شناخته‌اند و باور دارند که آنان از جانب خدای متعال منصوب شده‌اند و شایسته‌ترین افراد برای تصدی این مقام هستند، هرگز در اطاعت و پیروی آن‌ها تردید نمی‌کنند.

دو. میراث‌بری پیامبران

این ویژگی بیانگر رابطه امامان معصوم علیهم‌السلام با پیامبران الهی علیهم‌السلام است. چنانکه گفتیم براساس روایات، آنان همه ویژگی‌های شایسته و ممتاز بندگان برگزیده خدا از ابتدای تاریخ تا پیامبر آخرالزمان را به ارث برده‌اند و از همین رو آنان همان جایگاه و نقش و شأن و منزلت را در جوامع دارند که انبیا داشته‌اند.

امامت، استمرار نبوت است و امامان، میراث‌داران واقعی پیامبران الهی از آدم تا خاتم در زمینه همه ویژگی‌های اخلاقی، داشته‌ها و برتری‌های علمی و توانمندی‌ها و قدرت‌های معنوی هستند. بی‌تردید، باور به این‌ها، نقشی بسیار مهم در اطاعت و پیروی از امامان دارد؛ زیرا کسی که امامان را در همه زمینه‌ها مانند پیامبران خدا می‌داند، به طور طبیعی باید اطاعت و پیروی آنان را نیز هم‌سنگ اطاعت پیامبران بداند. چنان‌که خداوند متعال اطاعت اولی الامر را در ردیف اطاعت از خودش و پیامبرانش قرار داده و فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾. (نساء: ۵۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را (نیز) اطاعت کنید.

به تصریح بسیاری از مفسران، مراد از «اولی الامر» که براساس این آیه، اطاعت آن‌ها مانند اطاعت خدا و رسول واجب است، امامان از آل محمد علیهم‌السلام هستند. (طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۶۴)

سه. حجت بودن برای پروردگار جهانیان

این ویژگی، بیانگر رابطه پیشوایان معصوم دین با خداوند متعال و نشان‌دهنده جایگاه و شأن والای آنان است. این پیشوایان دلیل و برهانی بر وجود پروردگار و صفات و خصال او، راهنمای مردم به سوی او و بیان‌کننده اوامر و نواهی او هستند.

باتوجه به نکاتی که در زمینه جایگاه حجت در آموزه‌های اسلامی گفته شد، می‌توان گفت شناخت جانشینان پیامبر اسلام به عنوان حجت‌های الهی و باور به این موضوع، شرط لازم و





کافی برای اطاعت و پیروی از آنان است و امکان ندارد که کسی به این شناخت و باور برسد، اما از پیروی این بزرگواران سر باز زند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله در پی تبیین پاسخ این پرسش بودیم که چرا امام زمان علیه السلام در صلوات ضراب اصفهانی از میان همه ویژگی‌های جانشینان معصوم پیامبر خدا به طور ویژه بر سه ویژگی؛ یعنی پیشوایی مؤمنان، میراث‌بری پیامبران و حجت بودن برای پروردگار جهانیان تأکید کرده‌اند؟ برای یافتن پاسخ این پرسش، ابتدا به تبیین معنا و مفهوم و مبانی و مستندات این سه ویژگی پرداختیم و گفتیم:

ویژگی نخست (پیشوایی مؤمنان)، بیانگر رابطه جانشینان پیامبر خدا با مردم و جامعه است و براساس روایات، این جانشینان به دلیل برتری‌های ذاتی خود عهده‌دار ریاست امور دنیایی و دینی مردم و هدایت آن‌ها در رسیدن به کمال مطلوب هستند و در این مقام هیچ‌کس با آنان برابری نمی‌کند.

ویژگی دوم (میراث‌بری پیامبران) نیز بیانگر رابطه امامان معصوم با پیامبران است و براساس روایات، آنان همه ویژگی‌های ممتاز پیامبران الهی از آدم تا خاتم را به ارث برده‌اند و از همین رو آنان همان جایگاه و نقش و شأن و منزلت را در جوامع دارند که انبیا داشتند.

ویژگی سوم (حجت بودن برای خدا) بیانگر رابطه پیشوایان معصوم دین با خداوند متعال و نشان‌دهنده جایگاه و شأن والای آنان است. این پیشوایان، دلیل و برهانی بر وجود پروردگار و صفات او، راهنمای مردم به سوی او و بیان‌کننده اوامر و نواهی او هستند.

در ادامه نیز به پاسخ پرسش اصلی تحقیق پرداختیم و گفتیم:

به نظر می‌رسد امام زمان علیه السلام به دو دلیل در این صلوات بر این ویژگی‌ها تأکید کرده‌اند:

۱. جامعیت آن‌ها: آشنایی با جایگاه و شأن آنان در جهان هستی و رابطه آنان با خدا، پیامبران و مردم سهمی بسزا در کسب معرفت واقعی به این بزرگواران دارد و از همین رو سه ویژگی شاخصی که در این مقاله به آن‌ها اشاره شد، به دلیل اینکه سه رابطه یادشده را به خوبی تبیین می‌کنند، نقشی مهم در حصول معرفت به امامان معصوم علیهم السلام ایفا می‌نمایند.

۲. نقش این ویژگی‌ها در زمینه‌سازی برای اطاعت و پیروی از امامان: در روایات به ضرورت





معرفت امامان بسیار تأکید شده است. فلسفه اصلی این تأکیدها زمینه سازی برای پذیرش آگاهانه اوامر و نواهی ایشان و اطاعت و پیروی از آنان است؛ از این رو آشنایی با جایگاه و شأن آنان در جهان هستی و رابطه آنان با خدا، پیامبران و مردم سهمی بسزادر حصول معرفت واقعی به این بزرگواران دارد.

منابع

کتابها

- * قرآن کریم، ترجمه: محمد مهدی فولادوند، چ اول: قم: دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۹ ش.
- * نهج البلاغه، ترجمه: محمد مهدی فولادوند، چ اول، تهران: صائب، ۱۳۸۰ ش.
- * نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، چ اول، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸ ش.
- ۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد جزری، *النهاية في غريب الحديث*، ۵ ج، قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۴ ش.
- ۲. ابن حجر الهیتمی، احمد بن محمد، *مجمع الزوائد*، قاهره: بی نا، ۱۳۵۳ ق.
- ۳. ابن فارس، ابوالحسین احمد، *معجم مقائیس اللغة*، قم: مکتب الإعلام اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ۴. ابن قولویه، جعفر بن محمد، *کامل الزیارات*، تحقیق: عبدالحسین امینی، چ اول، نجف اشرف: دارالمرتضویة، ۱۳۵۶ ش.
- ۵. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، *المزار الکبیر*، چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹ ق.
- ۶. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، *لسان العرب*، چ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی و مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۱۶ ق.
- ۷. الجوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه*، تحقیق: احمد الغفور عطار، تهران: امیری، ۱۳۶۸ ش.
- ۸. الحمصی رازی، محمود، *المنقذ من التقليد*، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۲ ق.
- ۹. الحمیری، عبدالله بن جعفر، *قرب الأسناد*، تحقیق: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، چ اول، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۳ ق.



۱۰. الراغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن فی غریب القرآن، تحقیق: ندیم مرعشلی، بیروت: دارالکلمات العربی، ۱۳۹۲ق.
۱۱. سیدبن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال، ۲ج، چ اول: تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۹ق.
۱۲. _____، جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع، چ اول، قم: دارالرضی، ۱۳۳۰ق.
۱۳. شفیعی سروسستانی، ابراهیم، معرفت امام زمان ﷺ و تکلیف منتظران، چ سوم، تهران: موعود عصر، ۱۳۹۰ش.
۱۴. شیخ صدوق، محمدبن علی (ابن بابویه)، الأمالی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ق.
۱۵. _____، علل الشرائع، نجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ق.
۱۶. _____، کتاب الخصال، ۲جلد در یک مجلد، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، چ پنجم، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۱۷. _____، من لایحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، ۴ج، چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۱۸. _____، کمال الدین و تمام النعمة، ۲ج، تحقیق: علی اکبر غفاری، چ اول، تهران: اسلامیة، ۱۳۹۵ق.
۱۹. _____، الهدایة [فی الأصول والفروع]، تحقیق: مؤسسة الإمام الهادی ﷺ، چ اول، قم: پیام امام هادی ﷺ، ۱۳۸۴.
۲۰. شیخ طوسی، محمدبن حسن، الأمالی، تحقیق: مؤسسة البعثة، چ اول، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۳ق.
۲۱. _____، کتاب الغیبة، تحقیق: عبادالله الطهرانی و علی احمد ناصح، چ دوم، قم: مؤسسة المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۷ق.
۲۲. _____، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، چ اول، بیروت: مؤسسة فقه الشیعة، ۱۴۱۱ق.
۲۳. شیخ مفید، محمدبن محمدبن نعمان، الإختصاص، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، چ چهارم، قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة فی قم المقدسة، ۱۴۱۴ق.



۲۴. _____، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، چ اول، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۲۵. _____، الأمالی، چ اول، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۲۶. _____، النکت الاعتقادیة، مندرج در: سلسله مصنفات الشیخ المفید، ج ۱۰.
۲۷. الصفار القمی، محمد بن الحسن بن فروخ، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، چ اول، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۸. ضیائی فر، سعید، جایگاه مبانی کلامی در اجتهاد، چ اول، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
۲۹. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۰ جلد، چ دوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۳۰. الطریحی، فخرالدین السید محمد الحسینی، مجمع البحرین، ۶ ج، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۳۱. _____، مجمع البحرین، ۶ ج، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵.
۳۲. الطبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ش.
۳۳. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ۲ ج، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۱ق.
۳۴. فقیه ایمانی، مهدی، شناخت امام یاراه رهایی از مرگ جاهلی، چ اول، قم: مؤلف، ۱۴۱۲ق.
۳۵. الفیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر، تحقیق: یوسف الشیخ محمد، چ دوم، بیروت: المکتبه العصریة، ۱۴۱۸ق.
۳۶. القندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده، ۳ ج، چ اول، تهران: اسوه، ۱۴۱۶ق.
۳۷. الكلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۸ ج، چ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۳۸. المتقی الهندی، علاء الدین علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، ۱۶ ج، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.
۳۹. المجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، ۱۱۰ ج، چ سوم،

بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۴۰. محدث قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، چ بیستم، قم: نبوغ، ۱۳۸۶.
۴۱. محمدی ری شهری، محمد، اهل بیت علیهم السلام در قرآن و حدیث، ترجمه: حمیدرضا شیخی و حمیدرضا آذیر، چ هفتم، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۵ش.
۴۲. _____، دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ۱۰ج، چ اول، قم: مؤسسه علمی، فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۹۳.
۴۳. _____، دانشنامه قرآن و حدیث، ۱۶ج، چ دوم، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۱.
۴۴. _____، شرح زیارت جامعه کبیره، یا تفسیر قرآن ناطق، چ سوم، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۰.
۴۵. مشکور، محمدجواد، فرهنگ فرق اسلامی، چ دوم، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
۴۶. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، ۱۴ج، چ اول، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۵.
۴۷. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ۲۱ج، چ هشتم، تهران و قم: صدرا، ۱۳۷۵.
۴۸. موسوی اصفهانی، سید محمدتقی، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، ۲ج، ترجمه: سید مهدی حائری قزوینی، چ دوم، تهران: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۴۱۲ق.
۴۹. مهدی پور، علی اکبر، او خواهد آمد، چ دوازدهم، قم: رسالت، ۱۳۸۴.
۵۰. نصیرالدین طوسی، تلخیص المحصل نقد المحصل، چ سوم، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۵ق.
۵۱. ناصری دولت آبادی، محمدعلی، آب حیات: گزیده ای از سخنان حضرت آیت الله ناصری درباره امام عصر عجل الله تعالی فرجه، تحقیق و تدوین مجید هادی زاده، چ ششم، قم: انتشارات خُلُق، ۱۴۰۱.
۵۲. _____، جام اسرار: گزیده ای از سخنان حضرت آیت الله ناصری در شرح فرازهای زیارت جامعه کبیره، ۳ج، تحقیق و تدوین: سید حبیب حسینی رنانی، چ اول، قم: انتشارات خُلُق، ۱۴۰۱.



۵۳. _____ ، درامداد نور: گزیده‌ای از سخنان حضرت آیت‌الله ناصری درباره آیات تأویل شده به امام عصر عجل الله تعالی فرجه و آخرالزمان، تحقیق و تدوین: محمود مطهری نیا، چ دوم، قم: انتشارات خلق، ۱۴۰۱.

۵۴. _____ ، رسم بندگی: گزیده‌ای از سخنان حضرت آیت‌الله ناصری در شرح فرازهایی از خطبه متقین، تحقیق و تدوین: سید حبیب حسینی رنانی، چ دوم، قم: انتشارات خُلُق، ۱۴۰۱.

۵۵. _____ ، سخن دوست: گزیده‌ای از سخنان حضرت آیت‌الله ناصری درباره امام عصر عجل الله تعالی فرجه، تحقیق و تدوین: سید حبیب حسینی رنانی، چ دوم، قم: انتشارات خُلُق، ۱۴۰۱.

۵۶. النعمانی، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم بن جعفر، کتاب الغیبه، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق، بی تا.

مقالات

۵۷. ناصری دولت آبادی، محمدعلی، «محو دلدار: فرهنگ انتظار (۲)»، برگرفته از سخنرانی‌های آیت‌الله ناصری، نشریه تربیتی اخلاقی خُلُق، ش ۱۵، بهمن و اسفند ۱۳۸۸، ص ۱۴ و ۱۵.

۵۸. «صلوات ضراب اصفهانی»، پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی بهجت: Bahjat.ir/fa/content/10658

